

درصدی از جمعیت جوان ایران که روزانه بیشتر از ۳۰ دقیقه مطالعه می کنند

۱۳ درصد

نسبت کل کتاب های کمک درسی و کنکوری به کل تولید کتاب در ایران

۲۰ درصد

متوسط تیراژ یک کتاب در ایران در سال ۸۷

۴۰۰۰

در ایران چقدر کتاب تولید می شود؟ و این، یک خرده غم انگیز است

احسان رضایی

رسمی ترین منبع موجود درباره میزان تولید کتاب در ایران، «خانه کتاب» است که در سایت رسمی آن (ketab.ir)، اطلاعات آماری ای از وضعیت تولید کتاب در ایران، با جزئیاتی مثل سال و موضوع، چاپ اول و دوم و ترجمه و تالیف آمده است. سر زدن به این سایت و دیدن آمارهای آن نکات جالب زیادی دارد.

طبق آمار خانه کتاب، در سال ۸۷ تا تاریخ ۱۰ آذر ماه، کلاً ۳۴ هزار و ۶۸۷ کتاب چاپ شده که ۱۵ هزار و ۲۳ عنوان آنها از چاپ اول و بقیه تجدید چاپ بوده اند. آمار کل سال ۸۶ هم ۵۵ هزار و ۸۴۸ عنوان کتاب است که ۲۴ هزار و ۴۹۱ عنوانش چاپ اول بوده.

بیشترین آمار تولید کتاب در هر ۲ سال، کتاب هایی با موضوع دین بوده (در سال ۸۷، ۷ هزار عنوان در این حوزه و در سال ۸۶، ۱۲ هزار کتاب با موضوع دین چاپ شده است). بعد از دین هم، ادبیات و علوم اجتماعی بیشترین تولید را داشته اند. کتاب های دسته کلیات (یعنی کتاب های مرجع) هم کمترین چاپ را در هر ۲ سال داشته اند.

طبق آمارهای این سایت، متوسط تیراژ یک کتاب در سال ۸۷، ۴ هزار و ۱۸۳ نسخه بوده و در سال ۸۶، ۳ هزار و ۸۹۳ نسخه.

در سایت خانه کتاب، همین آمارها تا سال ۷۳ موجود است. وضعیت متوسط تیراژ و آمار کلی تولید کتاب را که مقایسه کنیم، به این نتیجه می رسیم که در دهه ۷۰، متوسط تیراژ کتاب بالای ۵ هزار نسخه بوده (حد اکثرش در سال ۷۵ است با ۵ هزار و ۶۴۵ نسخه برای هر کتاب) و در عوض آمار تولید کتاب از ۱۰ هزار و ۲۷۲ عنوان در سال ۷۳ به بعد، سیر صعودی داشته (حد اکثرش همان سال ۸۶ است). یک نکته دیگر هم در این مقایسه، نسبت تقریباً نصف-نصف کتاب های چاپ اول و تجدید چاپ در سال های ابتدایی دهه ۷۰ است (حد اکثرش برای سال ۷۶ است که در برابر ۸ هزار و ۲۶۷ کتاب چاپ اول، فقط ۷۵ هزار و ۲۴۲ تجدید چاپی داشته ایم) که حالا از یک سوم (برای چاپ اول ها) به دو سوم رسیده است.

ظاهراً همه چیز مرتب است؛ نه از آن افت تیراژ وحشتناکی که می گویند خبری هست و نه از کاهش میزان کتابخوانی؛ فقط یک نکته است که کمی ذهن آدم را نسبت به این وضعیت گل و بلبل مشکوک می کند؛ آن یک نکته هم چیزی نیست جز پدیده ای به نام کتاب های کمک درسی که در سال های اخیر همین طوری تند و تند مثل قارچ رشد کرده اند. طبق حساب و کتاب ما، ۱۵ ناشری که کتاب کمک درسی و آمادگی کنکور چاپ می کنند، در سال ۸۵، ۹ هزار و ۸۵۰ عنوان از ۵۱ هزار عنوان کتاب را تولید کرده اند و در سال ۸۶، ۱۲ هزار و ۷۲۰ عنوان از ۵۵ هزار عنوان کتاب تولیدی را.

فکرش را بکنید، کتاب، بیشتر تولید می شود اما کتاب کمک درسی و تجدید چاپی، یک خرده غم انگیز است، نه؟

می دونه گفتن این دیالوگ روی تصویر، توهین به همشهری جوانه؟! مشهور مخاطب فهیم



اعداد و ارقامی که هر سال مسوولان از میزان مطالعه ما ارائه می دهند، زمین تا آسمان با هم متفاوت است

دقیقه های سرگردان

نسیم مرعشی

ما ایرانی ها کتاب می خوانیم؟ ما کتاب نمی خوانیم؟ اصلاً تو چقدر کتاب می خوانی؟ روزی یک ساعت؟ ۲ ساعت؟ ۵ دقیقه؟ ... یا اینکه بستگی به کارهیت دارد؟ خواهرت چطور؟ ... یا پدرت؟ حالا اگر بخواهی همه خانواده را روی هم حساب کنی چقدر می شود؟ اینکه من چقدر کتاب می خوانم یا تو چقدر، خیلی مهم نیست اما اینکه ما ایرانی ها روی هم چقدر کتاب می خوانیم، مساله ای است که ذهن خیلی ها را به خودش مشغول کرده.

۸۱ بود که مرکز پژوهش های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۸ استان را بررسی کرد و اعلام کرد سرانه مطالعه ایرانی ها ۷ دقیقه در روز است. بین این همه آمارهای ضد و نقیض، سازمان ملی جوانان هم برای خودش یک آمار جداگانه و مفصل منتشر کرده. دکتر اسحاقی - معاون مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان - می گوید ۷۶ درصد از جوانان، روزانه کمتر از ۳۰ دقیقه مطالعه می کنند. سازمان برای به دست آوردن این آمار، یک پژوهش بین ۱۲۰ نفر اهل قلم انجام داده. کارشناسان سازمان، آمارهای دقیق تری هم دارند. آنها می گویند ۴۶ درصد از جوانان هر روز بین ۴ تا ۳۰ دقیقه مطالعه می کنند، ۳۰ درصد آنها کمتر از ۴ دقیقه در روز مطالعه می کنند، ۱۳ درصد ۳۰ دقیقه تا یک ساعت مطالعه می کنند، ۷ درصد یک تا ۲ ساعت و فقط ۴ درصد باقیمانده هستند که بیشتر از ۲ ساعت در روز کتاب می خوانند.

بعد از اعلام آمارهای ضد و نقیض بود که دیگر صدای صفار هرندی - وزیر فرهنگ و ارشاد - در آمد. او در مصاحبه ای که با روزنامه اطلاعات کرد گفت که در مورد سرانه مطالعه حال حاضر کشور، هیچ آماری ندارد و نمی داند آنهايي که در مورد سرانه مطالعه آمار می دهند آن را از کجا آورده اند. وزیر ارشاد اعلام کرد به فکر افتاده است که برای به دست آوردن آمار درست کاری بکند. آمارگیری سرانه مطالعه قرار بود از مهر سال گذشته اجرا شود اما به دلایل نامعلومی پروژه اش متوقف شد. اما حالا نهاد کتابخانه های عمومی سراسر کشور (نهادی که محمدحسین صفار هرندی، منصور واعظی و علی اکبر اشعری از اعضای هیأت امنای آن هستند)، کمیته ای تشکیل داده به نام «کمیته سنجش میزان مطالعه». این کمیته قرار است نوع، موضوع و قالب های مطالعه در ایران را بررسی کند و برای این کار در نظر دارد پرسشنامه هایی را بین مردم پخش کند. قرار است این بار، اندازه مطالعه در گروه های سنی مختلف بررسی شود و این بار، مطالعه کتاب های درسی و قرآن و کتاب های دعا هم به طور جدا در نظر گرفته شود.

سرانه مطالعه یعنی اینکه هر نفر به طور میانگین در روز چقدر کتاب می خواند. برای به دست آوردن این عدد، زمان کتاب خواندن همه افراد یک جامعه را با هم جمع می کنند و تقسیم می کنند به تعدادشان. همه کشورهای دنیا، هر سال سرانه مطالعه شان را حساب می کنند و از روی این عدد می فهمند که وضعیت کتاب و کتابخوانی در کشورشان چطور بوده. اما ماجرای این عدد در کشور ما کمی پیچیده شده و هر مسؤولی یک عدد متفاوت را اعلام می کند. هر چند که همه می دانند سرانه مطالعه در ایران پایین است اما هر سال، تعداد زیادی آمار غیررسمی و غیردقیق منتشر می شود که همه را گیج کرده؛ مثلاً علی اکبر اشعری، رئیس کتابخانه و سازمان اسناد ملی ایران که مشاور فرهنگی رئیس جمهور هم هست، اعلام کرده که سرانه مطالعه هر ایرانی در شبانه روز فقط ۲ دقیقه است. البته در این محاسبه کتاب های درسی در نظر گرفته نشده اند. اشعری گفته اگر زمان درس خواندن را هم به این رقم اضافه کنیم، سرانه مطالعه هر ایرانی می شود ۶ دقیقه. وحشتناکی این رقم، وقتی بهتر مشخص می شود که بدانیم سرانه مطالعه آمریکایی ها ۲۰ دقیقه، انگلیسی ها ۵۵ دقیقه و ژاپنی ها ۹۰ دقیقه است.

سرانه مطالعه
۲ دقیقه؟
۶ دقیقه؟
۱۸ دقیقه؟

اما درست همان موقع که اشعری و تیمش مشغول مطالعه درباره دلایل این فاجعه بودند، منصور واعظی - دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی کشور - اعلام کرد که سرانه مطالعه در کشور اصلاً کم نیست و خیلی هم خوب است. واعظی آمارش را در مراسم شروع اولین دوره آموزشی کتابداران سراسر کشور رو کرد. او می گوید سرانه مطالعه در کشور مادر هر روز ۱۸ دقیقه است و تازه این عدد، فقط برای مطالعه کتاب های غیردرسی و غیر کاری است. علاوه بر این کتاب ها، در محاسبه واعظی، مطالعه قرآن و کتاب های مذهبی و خواندن مطلب در اینترنت هم محاسبه نشده (که البته هیچ کجای دنیا هم این آمار به سرانه مطالعه اضافه نمی شود). به نظر واعظی، تنها مشکل فعلی مطالعه مردم وضعیت کتابخانه هاست. او می گوید طی ۲ سال آینده، باید ظرفیت کتابخانه های عمومی کشور ۲ برابر شود.

این وسط به آمارهای متفاوت دیگری هم برمی خوریم؛ مثلاً محمدسالاری - مدیر کل دفتر برنامه ریزی و مطالعات فعالیت های فرهنگی و کتابخوانی - گفته آمار قدیمی ۲ دقیقه در روز که همه جا گفته می شود و همه به آن استناد می کنند، سیاهمانی است و ما خیلی هم کتابخوانیم. آمار واقعی کتاب خواندن در ایران، روزی ۲ ساعت، یعنی ۱۲۰ دقیقه است نه ۲ دقیقه! یعنی ۳۰ دقیقه بالاتر از رکورد آمار کتابخوانی در جهان یعنی همان رکورد ۹۰ دقیقه در روز ژاپن! قبلاً هم سید جواد حسینی - فرماندار مشهد - درگردهمایی اعضای انتصابی انجمن کتابخانه های عمومی مشهد اعلام کرده بود که سرانه مطالعه هر ایرانی ۹۵ دقیقه است! تنها باری که یک آمار نسبتاً رسمی منتشر شد، سال